

## راهنمای استفاده از کتاب

برای کسب بهترین نتیجه در امتحانات مدرسه گام‌های زیر را به ترتیب برای هر فصل طی کنید.

### فیلم آموزشی

گام

اول

۱. هر فصل به تعدادی جلسه تقسیم شده است.
۲. برای استفاده از فیلم‌های آموزشی هر جلسه QR-Code های صفحه بعد را اسکن کنید.
۳. در هر جلسه مطالب کتاب درسی در درس به درس تدریس شده است.
۴. تمرین‌ها و فعالیت‌های کتاب درسی به صورت کامل تدریس شده است.

### درسنامه آموزشی

گام

دوم

۱. کلمه‌های جدید هر درس به همراه معنی آن‌ها و تعیین نوع کلمه (اسم، صفت، فعل و ...) آورده شده است. این کلمه‌ها در قالب یک جمله با ترجمه فارسی آن آورده شده است تا کلمه‌های جدید به صورت کاربردی نشان داده شوند. در ضمن ترتیب این کلمه‌ها به صورت سطر به سطر می‌باشد.
۲. بخش گرامر، نگارش و تلفظ هر درس به طور کامل تشریح شده است. در درس نامه‌های هر درس، نمونه مثال‌های تشریحی و تستی با پاسخ کامل تشریحی منظور شده است تا به فهم عمیق مطالب کمک کند.
۳. کلیه متن‌های کتاب درسی خط به خط با ترجمه روان و سلیس آورده شده است.
۴. تمامی واژگان جدید سال یازدهم به صورت الفبایی در انتهای جلد اول آورده شده است.

### پرسش‌های تشریحی

گام

سوم

۱. سؤال‌های امتحانی هر درس، در قالب (واژگان)، (گرامر)، (نگارش)، (مکالمه)، متن "Cloze" و متن "Reading Comprehension" منظور شده است و انواع سؤال‌های تشریحی را پوشش می‌دهد که دارای پاسخ‌های کاملاً تشریحی است.
۲. سؤال‌های هر درس همه مطالب کتاب درسی را پوشش می‌دهد.
۳. این سؤال‌ها دانش‌آموزان را برای امتحان‌های مدرسه آماده می‌کند.
۴. این سؤال‌ها می‌تواند منبع مناسبی برای ارزشیابی دبیران محترم باشد.
۵. در انتهای هر درس یک آزمون با پاسخ کاملاً تشریحی وجود دارد.

به جای آن‌که چندین کتاب بخوانید، کتاب‌های گاج را چندین بار بخوانید

## جلد اول آموزش

### Lesson 1: Understanding People

Part 1: (Pages: 15-20)	10
Part 2: (Pages: 21-23)	14
Part 3: (Pages: 24-27)	15
Part 4: (Pages: 28-47)	19

### Lesson 2: A Healthy Lifestyle

Part 1: (Pages: 49-54)	30
Part 2: (Pages: 55-57)	32
Part 3: (Pages: 58-63)	33
Part 4: (Pages: 64-79)	40

### Lesson 3: Art and Culture

Part 1: (Pages: 81-86)	54
Part 2: (Pages: 87-89)	57
Part 3: (Pages: 90-94)	58
Part 4: (Pages: 95-107)	60

Irregular Verbs ..... 71

A-Z Vocabulary ..... 75

## جلد دوم امتحان

### Lesson 1: Understanding People

Part 1: (Pages: 15-20)	84
Part 2: (Pages: 21-23)	85
Part 3: (Pages: 24-27)	87
Part 4: (Pages: 28-47)	88
Exam	101

### Lesson 2: A Healthy Lifestyle

Part 1: (Pages: 49-54)	108
Part 2: (Pages: 55-57)	109
Part 3: (Pages: 58-63)	111
Part 4: (Pages: 64-79)	112
Exam	125

### Lesson 3: Art and Culture

Part 1: (Pages: 81-86)	132
Part 2: (Pages: 87-89)	133
Part 3: (Pages: 90-94)	135
Part 4: (Pages: 95-107)	136
Exam	149

Exam 1 (Mid Year) ..... 155

Exam 2 (Final) ..... 160

بِسْمِ  
اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

﴿اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ﴾

پروردگارا؛ خارج کن مرا از تاریکی‌های فکر

﴿وَأَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ﴾

و به نور فهم مرا گرامی بدار

﴿اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ﴾

پروردگارا؛ بر ما درهای رحمت را بگشای

﴿وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ﴾

و گنج‌های دانشت را بر ما بگستران

﴿بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ﴾

به امید رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان

آموزش

جلد اول:

انگلیسی یازدهم  
English 11

سیرناباز



درس اول

Lesson 1

Understanding  
People

## Lesson 1

## PART 1



(Pages 15 - 20)

Title Page - Get Ready - Conversation

Vocabulary

## واژگان درس

**written** (adj.) نوشته، نوشتاری، نوشته شده، کتبیThe **written** exam is on Friday.

«آزمون نوشتاری (کتبی) در روز جمعه است.»

**form** (n.) شکلSome languages have no written **form**.

«بعضی از زبان‌ها هیچ شکل نوشتاری ندارند.»

**available** (adj.) قابل دسترس، در دسترسI'm sorry, the doctor is not **available** this afternoon.

«متأسفم، پزشک امروز بعد از ظهر در دسترس نیست.»

**deaf** (adj.) ناشنواShe spoke loudly because her mother was a little **deaf**.

«او با صدای بلند صحبت کرد زیرا مادرش کمی ناشنوا بود.»

**sign language** (n.) زبان اشارهDeaf people use **sign language** to communicate.

«افراد ناشنوا از زبان اشاره برای ارتباط برقرار کردن استفاده می‌کنند.»

**communicate** (v.) ارتباط برقرار کردنPeople use language to **communicate** with each other.

«مردم از زبان استفاده می‌کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.»

**parking lot** (n.) پارکینگThey are going to build a new **parking lot** downtown.

«آن‌ها قصد دارند در مرکز شهر یک پارکینگ جدید بسازند.»

**turn off** (phr. v.) خاموش کردنYou must **turn off** your cell phone. It's a rule.

«شما باید تلفن همراهتان را خاموش کنید. این یک قانون است.»

**keep off** (phr. v.) وارد نشدنKeep **off** the grass.

«وارد چمن نشوید.»

**grass** (n.) چمنDon't walk across the **grass**.

«روی چمن راه نروید.»

**storybook** (n.) کتاب داستانHe wrote many **storybooks** for children.

«او کتاب‌های داستان زیادی برای کودکان نوشت.»

**foreigner** (n.) (فرد) خارجیI saw two **foreigners** in the museum.

«من در موزه دو (فرد) خارجی دیدم.»

**besides** (adv., prep.) علاوه بر، در کنار**Besides** my mother tongue, Persian, I speak English, French and Russian well.

«من علاوه بر زبان مادریم فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی را خوب صحبت می‌کنم.»

**mother tongue** (n.) زبان مادریShe felt more comfortable talking in her **mother tongue**.

«او با صحبت کردن به زبان مادری‌اش احساس راحت‌تری داشت.»

**experience** (n.) تجربهDo you have much **experience** of working with children?

«آیا شما تجربه زیادی از کار کردن با کودکان دارید؟»

**absolutely** (adv.) قطعاً، حتماً، مطلقاًShe did **absolutely** no work.

«او مطلقاً هیچ کاری انجام نداد.»

**fluently** (adv.) به طور روان، سلیسJohn spoke French **fluently**.

«جان فرانسوی را سلیس صحبت می‌کرد.»

**to be honest** (صادقانه (بگویم)**To be honest**, I don't know where your money is.

«صادقانه (بگویم)، من نمی‌دانم پول شما کجا است.»

**point** (n.) نکتهYou made some interesting **points** in your book.

«شما در کتابتان به چند نکته جالب اشاره کردید.»

**IRIB** صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایرانAhmad is a translator who works for **IRIB**.

«احمد مترجمی است که برای صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند.»

<b>high school</b> (n.)	دبیرستان
Tom and I went to the same <b>high school</b> .	«تام و من به یک دبیرستان رفتیم.»
<b>project</b> (n.)	پروژه
They are working on a <b>project</b> to build a new airport.	«آن‌ها بر روی یک پروژه برای ساختن یک فرودگاه جدید کار می‌کنند.»
<b>You're welcome!</b>	خواهش می‌کنم!
“Thank you for your help.” “ <b>You're welcome.</b> ”	«از کمک شما متشکرم.» «خواهش می‌کنم.»
<b>Russian</b> (adj.)	روسی، اهل روسیه
Is your language teacher <b>Russian</b> ?	«آیا معلم زبان شما روسی است؟»

<b>begin</b> (v.)	شروع شدن، شروع کردن
The movie <b>begins</b> at 7:30.	«فیلم ساعت ۷:۳۰ شروع می‌شود.»
<b>institute</b> (n.)	مؤسسه
My father works for the <b>Institute</b> of Science.	«پدر من برای مؤسسه علوم کار می‌کند.»
<b>Moscow</b> (n.)	مسکو
Is <b>Moscow</b> the capital of Russia?	«آیا مسکو پایتخت روسیه است؟»

## ترجمه متن کتاب درسی

### مکالمه “Conversation”

Babak Saberian is a translator who works for IRIB<sup>1</sup>. Today, he is hosting Meysam in his office. Meysam is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

بابک صابریان یک مترجم است که برای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند. امروز او در دفتر کارش میزبان میثم است. میثم دانش آموز دبیرستان است. او در حال مصاحبه با آقای صابریان برای پروژه مدرسه‌اش است.

**Meysam:** Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office. **میثم:** آقای صابریان از دعوت من به دفتر کارتون متشکرم.

**Mr. Saberian:** You're welcome! **آقای صابریان:** خواهش می‌کنم!

**Meysam:** I heard you know three languages. Is that right? **میثم:** من شنیدم شما سه زبان می‌دونید. این درسته؟

**Mr. Saberian:** Well, actually four languages. **آقای صابریان:** حُب، راستش چهار زبان.

**Meysam:** Four! Really? What languages do you know? **میثم:** چهار! واقعاً؟ چه زبان‌هایی رو می‌دونید؟

**Mr. Saberian:** Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well. **آقای صابریان:** من علاوه بر زبان مادری ام فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی رو خوب می‌دونم.

**Meysam:** Interesting! And when did you learn them? **میثم:** جالبه! و شما چه موقع اونا رو یاد گرفتید؟

**Mr. Saberian:** I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

**آقای صابریان:** من در مدرسه وقتی سیزده ساله بودم شروع به یادگیری انگلیسی کردم. بعد، وقتی پانزده ساله بودم در یک مؤسسه زبان شروع به یادگیری فرانسوی کردم. و هنگامی که در مسکو دانشجویم روسی یاد گرفتم.

**Meysam:** Can you use all of them fluently? **میثم:** آیا شما می‌تونید از همه اونا روان استفاده کنید؟

**Mr. Saberian:** I know all of them well, but I use English more. **آقای صابریان:** من همه اونا رو خوب بلدم، اما از انگلیسی بیش تر استفاده می‌کنم.

1. Islamic Republic of Iran Broadcasting: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

**Meysam:** OK. Do you think language learning should start as early as possible?

**میثم:** بسیار خوب. آیا شما فکر می‌کنید یادگیری زبان باید تا حد امکان زود شروع بشه؟

**Mr. Saberian:** My experience says interest and hard work are really more important than age.

آقای صابریان: تجربه من می‌گه علاقه و سخت‌کوشی واقعاً مهم‌تر از سن هستن.

**Meysam:** Hmm ... that's an important point. May I know what your favorite language is? English, French, or Russian?

**میثم:** هوووم ... این نکته مهمیه. آیا ممکنه بدونم زبان مورد علاقه شما چیه؟ انگلیسی، فرانسوی یا روسی؟

**Mr. Saberian:** To be honest, I enjoy using them all, but my favorite language is absolutely my mother tongue!

آقای صابریان: صادقانه (بگم)، من از به کار بردن همه اونا لذت می‌برم، اما زبان مورد علاقه من قطعاً زبان مادریه!

## درسنامه

### زبان‌ها و ملیت‌ها "Languages and Nationalities"

برای بیان ملیت‌ها هیچ قانون و قاعده خاصی وجود ندارد. برای این کار معمولاً به آخر نام کشورها، پسوندهایی مانند -an, -ese, -i, -sh اضافه می‌شود. دقت داشته باشید که بعضی از ملیت‌ها نام زبان آن کشور نیز هستند. شروع آن‌ها نیز با حرف بزرگ است.

Italy → Italian

China → Chinese

Iraq → Iraqi

England → English

\* جدول زیر را به خاطر بسپارید:

Country	Nationality	Language	معادل فارسی
Afghanistan	Afghan	Dari Persian, Pashtu	افغانستان
Armenia	Arminian	Arminian	ارمنستان
Azerbaijan	Azerbaijani	Azerbaijani Turkic	آذربایجان
Bangladesh	Bangladeshi	Bangla	بنگلادش
Bhutan	Bhutanese	Dzongkha	بوتان
Bulgaria	Bulgarian	Bulgarian	بلغارستان
China	Chinese	Standard Chinese (Mandarin/Putonghua)	چین
Czech Republic	Czech	Czech	جمهوری چک
France	French	French	فرانسه
Georgia	Georgian	Georgian; Russian	گرجستان
Germany	German	German	آلمان
Greece	Greek	Greek	یونان

Country	Nationality	Language	معادل فارسی
India	Indian	Hindi; English; Bengali	هندوستان
Iran	Iranian	Persian = Farsi	ایران
Iraq	Iraqi	Arabic; Kurdish	عراق
Italy	Italian	Italian	ایتالیا
Japan	Japanese	Japanese	ژاپن
Kazakhstan	Kazakhstani	Kazak; Russian	قزاقستان
Korea	Korean	Korean	کره
Laos	Laotian	Lao; French; English	لائوس
Myanmar	Burmese	Burmese	میانمار = برمه
Nepal	Nepalese	Nepali; Maithali	نپال
Oman	Omani	Arabic	عمان
Pakistan	Pakistani	Urdu; Punjabi	پاکستان
Poland	Polish	Polish	لهستان
Portugal	Portuguese	Portuguese; Mirandese	پرتغال
Russia	Russian	Russian	روسیه
Saudi Arabia	Saudi Arabian	Arabic	عربستان سعودی
Sweden	Swedish	Swedish	سوئد
Syria	Syrian	Arabic	سوریه
Tajikistan	Tajikistani	Tajik; Russian	تاجیکستان
Thailand	Thai	Thai (Siamese)	تایلند
Turkey	Turk	Turkish	ترکیه
United Arab Emirates	Emirati	Arabic	امارات متحده عربی
Uzbekistan	Uzbekistani	Uzbek; Russian	ازبکستان
Vietnam	Vietnamese	Vietnamese	ویتنام

تمرین جدول زیر را کامل کنید.

Country	Iran	.....	.....	Pakistan	Italy
Nationality	.....	.....	Spanish	.....	.....
Language	.....	Turkish	.....	.....	.....



## Lesson 1

## PART 2



(Pages 21 - 23)

New Words &amp; Expressions

### Vocabulary

## واژگان درس

**farming** (n.) کشاورزی

Mazandran is one of the best **farming** regions of Iran.  
«مازندران یکی از بهترین منطقه‌های کشاورزی ایران است.»

**region** (n.) منطقه، ناحیه

You can find this animal in the northern **regions** of Sweden.  
«شما می‌توانید این حیوان را در منطقه‌های شمالی سوئد پیدا کنید.»

**continent** (n.) قاره

Africa is the poorest **continent**.  
«آفریقا فقیرترین قاره است.»

**exist** (v.) وجود داشتن

Does life **exist** on the other planets?  
«آیا زندگی در سیاره‌های دیگر وجود دارد؟»

**native** (adj.) بومی، محلی

I went back to my **native** country in 1993.  
«من در سال ۱۹۹۳ به کشور بومی‌ام (زادگاهم) برگشتم.»

**speaker** (n.) گویش‌ور

Native **speakers** of different languages range in number.  
«گویش‌وران بومی زبان‌های مختلف از نظر تعداد با هم متفاوت هستند.»

**price** (n.) قیمت

**Prices** in this country are high.  
«قیمت‌ها در این کشور بالا هستند.»

**range** (v.) فرق کردن، تغییر کردن، متغیر بودن

The ages of the students in the class **ranges** from 18 to 50.  
«سن دانش‌آموزان در کلاس از ۱۸ تا ۵۰ متغیر است.»

**popular** (adj.) محبوب، پرطرفدار

Baseball is a **popular** sport in the US.  
«بیسبال یک ورزش محبوب در آمریکا است.»

**percent** (n.) درصد

Ten **percent** of the people who work here are men.  
«ده درصد از افرادی که این جا کار می‌کنند مرد هستند.»

**imagine** (v.) تصور کردن، فرض کردن

Can you **imagine** life without electricity?  
«آیا شما می‌توانید زندگی را بدون الکتریسیته (برق) تصور کنید؟»

**space** (n.) فضا

Imagine you are traveling in **space**.  
«فرض کنید که شما در حال سفر در فضا هستید.»

**by** (prep.) تا، تا قبل از

I must finish this work **by** ten o'clock.  
«من باید این کار را تا (قبل از) ساعت ده تمام کنم.»

**meet the needs of** برآورده کردن نیازهای

How can we **meet the needs of** all the different groups?  
«ما چگونه می‌توانیم نیازهای همه گروه‌های مختلف را برآورده کنیم؟»

**century** (n.) قرن، سده

We are living at the beginning of the twenty-first **century**.  
«ما در ابتدای قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم.»

**explain** (v.) توضیح دادن، شرح دادن

The teacher usually **explains** the new words to us.  
«معلم معمولاً کلمه‌های جدید را برای ما توضیح می‌دهد.»

**word** (n.) کلمه، لغت

What's the Italian **word** for "cat"?  
«کلمه "cat" به زبان ایتالیایی چیست؟»

**by means of** توسط، با استفاده از

They traveled to London **by means of** train.  
«آن‌ها با استفاده از قطار به لندن رفتند.»

**society** (n.) جامعه

We live in an Islamic **society**.  
«ما در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم.»

**ability** (n.) توانایی

She has the **ability** to do the job, but she must work harder.  
«او توانایی انجام آن کار را دارد، اما باید سخت‌تر کار کند.»


<b>physical</b> (adj.)	فیزیکی، جسمی، جسمانی
I do some <b>physical</b> exercise every morning.	«من هر روز صبح ورزش فیزیکی انجام می‌دهم.»
<b>mental</b> (adj.)	ذهنی، فکری
Do you have a <b>mental</b> picture of the accident?	«آیا تصویر ذهنی از تصادف دارید؟»
<b>vary</b> (v.)	فرق داشتن، تغییر کردن، متغیر بودن
Class sizes <b>vary</b> from 8 to 15.	«اندازه کلاس‌ها از ۸ تا ۱۵ (نفر) متغیر است.»
<b>each other</b> (pron.)	یکدیگر، همدیگر
Tom and John looked at <b>each other</b> angrily.	«تام و جان با عصبانیت به یکدیگر نگاه کردند.»
<b>make up</b> (phr. v.)	تشکیل دادن
Women <b>make up</b> 56% of the student numbers.	«زن‌ها ۵۶٪ تعداد دانشجویها را تشکیل می‌دهند.»

<b>amount</b> (n.)	مقدار، میزان
He spent a large <b>amount</b> of money yesterday.	«او دیروز مقدار زیادی پول خرج کرد.»
<b>population</b> (n.)	جمعیت
China makes up 18% of the world's <b>population</b> .	«چین ۱۸٪ جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهد.»
<b>despite</b> (prep.)	علی‌رغم، برخلاف، با وجود
We are going out <b>despite</b> the bad weather.	«ما علی‌رغم هوای بد بیرون می‌رویم.»
<b>take notice of</b>	توجه کردن به، توجه داشتن به
I didn't <b>take</b> any <b>notice of</b> what she said.	«من هیچ توجهی به آن چه او گفت نکردم.»

## Lesson 1

# PART 3

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development



## (Pages 24 - 27)

### واژگان درس Vocabulary

<b>communication</b> (n.)	ارتباط
Parents need to have good <b>communication</b> with their children.	«والدین باید ارتباط خوبی با فرزندانشان داشته باشند.»
<b>spoken</b> (adj.)	گفتاری، شفاهی
The <b>spoken</b> language is different from the written language.	«زبان گفتاری با زبان نوشتاری تفاوت دارد.»
<b>wish</b> (n.,v.)	آرزو، آرزو کردن
I'm sure that you will get your <b>wishes</b> .	«من مطمئن هستم که تو به آرزوهایت خواهی رسید.»
<b>feeling</b> (n.)	احساس
He likes to talk about his <b>feelings</b> .	«او دوست دارد در مورد احساساتش صحبت کند.»

<b>through</b> (prep.)	از طریق، توسط
The little boy got in <b>through</b> the window.	«آن پسر کوچک از طریق پنجره به داخل رفت.»
<b>greatly</b> (adv.)	زیاد، بسیار، تا حد زیادی
The quality of health care varies <b>greatly</b> .	«کیفیت مراقبت‌های سلامت تا حد زیادی متفاوت است.»
<b>so</b> (conj.)	بنابراین
There are no chairs available, <b>so</b> you must stand.	«هیچ صندلی‌ای در دسترس نیست، بنابراین شما باید بایستید.»
<b>surprising</b> (adj.)	شگفت‌آور
It's not <b>surprising</b> that they lost.	«شگفت‌آور (تعجب‌آور) نیست که آن‌ها باختند.»

<b>Oceania</b> (n.)	اقیانوسیه
Oceania is made up of Australia, New Zealand and some other countries. «اقیانوسیه از استرالیا، نیوزلند و چند کشور دیگر تشکیل شده است.»	
<b>around</b> (adv.)	حدود، اطراف
They went around five o'clock. «آن‌ها حدود ساعت پنج رفتند.»	
<b>learner</b> (n.)	فراگیر، یادگیرنده، شاگرد
My brother is a fast learner. «برادر من یادگیرنده سریعی است.»	
<b>interestingly</b> (adv.)	به طور جالب توجه، جالب این‌که
Interestingly, nobody could speak Chinese there. «جالب این‌که در آن‌جا هیچ‌کس نمی‌توانست چینی صحبت کند.»	
<b>beginning</b> (n.)	ابتدا
We're going to Japan at the beginning of July. «ما در ابتدای جولای به ژاپن می‌رویم.»	
<b>nearly</b> (adv.)	تقریباً
Nearly 100 people attended the ceremony. «تقریباً ۱۰۰ نفر در آن مراسم حضور پیدا کردند.»	
<b>such</b> (det., pron.)	چنین، این‌چنین
As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die. «هم‌چنان که گویش‌وران چنین زبان‌هایی پیر می‌شوند و می‌میرند، زبان‌شان (هم) خواهد مرد.»	
<b>grow</b> (v.)	شدن
Children grow fat because they eat fast food. «کودکان چاق می‌شوند زیرا فست فود می‌خورند.»	
<b>valuable</b> (adj.)	با ارزش، ارزشمند
You can find a lot of valuable information in this book. «شما می‌توانید در این کتاب اطلاعات ارزشمند زیادی را بیابید.»	
<b>difference</b> (n.)	تفاوت، اختلاف
There's no difference between the two houses. They look exactly the same. «هیچ تفاوتی بین این دو خانه نیست. آن‌ها دقیقاً شبیه به نظر می‌رسند.»	

<b>means</b> (n.)	وسیله، روش، شیوه
Television is a means of communication. «تلویزیون یک وسیله برقراری ارتباط است.»	
<b>impossible</b> (adj.)	غیرممکن
It is impossible to imagine the world without language. «غیرممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد.»	
<b>therefore</b> (adv.)	بنابراین، پس
It was late, therefore I didn't stay long. «دیر بود، بنابراین من به مدت طولانی نماندم.»	
<b>no matter</b>	مهم نیست
Call me when you get there, no matter what the time is. «هر موقع به آن‌جا رسیدی با من تماس بگیر، مهم نیست که ساعت چند است.»	
<b>synonym</b> (n.)	مترادف
Synonyms are words with similar meanings. «مترادف‌ها کلمه‌هایی با معنی مشابه هستند.»	
<b>tiny</b> (adj.)	خیلی کوچک، ریز
He's from a tiny town that you've never heard of. «او اهل یک شهر خیلی کوچک است که شما هرگز از آن نشنیده‌اید.»	
<b>simple</b> (adj.)	ساده، آسان
The camera is simple to use. «استفاده کردن از این دوربین ساده است.»	
<b>seek</b> (v.)	جست‌وجو کردن، به دنبال ... گشتن
Some animals seek the sun to warm their bodies. «بعضی از حیوانات به دنبال آفتاب می‌گردند تا بدنشان را گرم کنند.»	
<b>search for</b>	جست‌وجو کردن، در جست‌وجوی ... بودن
They're searching for the lost child. «آن‌ها در جست‌وجوی بچه گم شده هستند.»	
<b>luckily</b> (adv.)	خوشبختانه
There was an accident, luckily, no one was hurt. «تصادفی رخ داد، خوشبختانه هیچ‌کس صدمه ندید.»	
<b>largely</b> (adv.)	زیاد، بسیار، تا حد زیادی
This story is largely true. «این داستان تا حد زیادی واقعی است.»	
<b>form</b> (v.)	تشکیل دادن، تشکیل شدن
This project forms part of a larger project. «این پروژه بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر را تشکیل می‌دهد.»	

## ترجمه متن کتاب درسی

## زبان‌های دنیا "Languages of the World"

Language is a system of communication.<sup>(1)</sup> It uses written and spoken forms.<sup>(2)</sup> People use language to communicate with each other in a society.<sup>(3)</sup> They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.<sup>(4)</sup> زبان سیستم برقراری ارتباط است.<sup>(1)</sup> آن از شکل‌های نوشتاری و گفتاری استفاده می‌کند.<sup>(2)</sup> مردم در جامعه از زبان استفاده می‌کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.<sup>(3)</sup> آن‌ها از طریق آن (زبان) تبادل دانش، عقاید، آرزوها و احساسات می‌کنند.<sup>(4)</sup>

\*\*\*

Languages vary greatly from region to region.<sup>(1)</sup> They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent.<sup>(2)</sup> It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world.<sup>(3)</sup> There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.<sup>(4)</sup>

زبان‌ها از یک منطقه به منطقه دیگر خیلی فرق می‌کنند.<sup>(1)</sup> آن‌ها آن قدر متفاوت هستند که یک شخص ممکن است زبان یک نفر از یک منطقه، کشور یا قاره دیگر را درک نکند.<sup>(2)</sup> جای تعجب نیست که بشنویم امروزه حدود ۷۰۰۰ زبان در دنیا وجود دارند.<sup>(3)</sup> در آفریقا بیش از ۲۰۰۰ (زبان)، در آمریکا ۱۰۰۰ (زبان)، در آسیا بیش از ۲۲۵۰ (زبان)، در اروپا حدود ۲۳۰ (زبان) و در اقیانوسیه بیش از ۱۳۰۰ زبان وجود دارند.<sup>(4)</sup>

\*\*\*

Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers.<sup>(1)</sup> The most popular language in the world is Chinese.<sup>(2)</sup> More than one billion people in the world speak Chinese.<sup>(3)</sup>

گویش‌ورهای بومی این زبان‌ها از نظر تعداد از خیلی زیاد، با صدها میلیون گویش‌ور، تا خیلی کم، با کم‌تر از ۱۰ گویش‌ور متغیر هستند.<sup>(1)</sup> پرطرفدارترین زبان دنیا چینی است.<sup>(2)</sup> بیش از یک میلیارد نفر در دنیا چینی صحبت می‌کنند.<sup>(3)</sup>

\*\*\*

Interestingly, English has fewer native speakers than Chinese, but there are about one billion learners of English all around the world.<sup>(1)</sup> They learn English as an international language.<sup>(2)</sup>

جالب این‌که انگلیسی‌گویش‌ورهای بومی کم‌تری از چینی دارد اما در سرتاسر جهان حدود یک میلیارد فراگیر انگلیسی وجود دارد.<sup>(1)</sup> آن‌ها زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین‌المللی یاد می‌گیرند.<sup>(2)</sup>

\*\*\*

About fifty percent of the world's languages have fewer than 5000 speakers.<sup>(1)</sup> In the beginning of this century, 204 languages had fewer than 10 speakers and 344 languages had between 10 and 99 speakers.<sup>(2)</sup> The 548 languages with fewer than 99 speakers make up nearly 8 percent of the world's languages.<sup>(3)</sup> We call them "endangered languages".<sup>(4)</sup> As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die, too.<sup>(5)</sup>

حدود پنجاه درصد از زبان‌های دنیا کم‌تر از ۵۰۰۰ گویش‌ور دارند.<sup>(1)</sup> در ابتدای این قرن، ۲۰۴ زبان کم‌تر از ۱۰ گویش‌ور و ۳۴۴ زبان بین ۱۰ تا ۹۹ گویش‌ور داشتند.<sup>(2)</sup> ۵۴۸ زبان با کم‌تر از ۹۹ گویش‌ور حدود ۸ درصد زبان‌های دنیا را تشکیل می‌دهند.<sup>(3)</sup> ما آن‌ها را «زبان‌های در معرض خطر» می‌نامیم.<sup>(4)</sup> هم‌چنان‌که گویش‌ورهای چنین زبان‌هایی پیر می‌شوند و می‌میرند، زبان‌هایشان نیز خواهند مرد.<sup>(5)</sup>

\*\*\*

All languages are really valuable, despite their differences.<sup>(1)</sup> Every language is an amazing means of communication that meets the needs of its speakers.<sup>(2)</sup> It is impossible to imagine the world without language.<sup>(3)</sup> Therefore, we should respect all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.<sup>(4)</sup>

همه زبان‌ها علی‌رغم اختلاف‌هایشان واقعاً با ارزش هستند.<sup>(1)</sup> هر زبانی یک وسیله ارتباطی شگفت‌انگیز است که نیازهای گویش‌ورها را برآورده می‌کند.<sup>(2)</sup> غیرممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد.<sup>(3)</sup> بنابراین، ما باید به همه زبان‌ها احترام بگذاریم، مهم نیست که آن‌ها چقدر متفاوت هستند و چند گویش‌ور دارند.<sup>(4)</sup>

## درسنامه

### Reading Strategy

#### Scanning

شما می‌توانید برای پیدا کردن سریع اطلاعات خاص مانند عدد، نام، کلمه یا عبارت، یک متن را scan کنید.

برای scan کردن مرحله‌های زیر را انجام دهید:

۱- از اطلاعاتی که به دنبال آن هستید یک تصویر شفاف در ذهن خود بسازید.

۲- آن اطلاعات را جست‌وجو کنید.

۳- چشم‌های خود را به سرعت روی متن حرکت دهید. همه کلمه‌ها را نخوانید. هر موقع اطلاعات را پیدا کردید، متوقف شوید، جمله را بخوانید و اطلاعات را علامت بزنید.

**تمرین** بدون این‌که متن را بخوانید، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

The Giant Panda is a superstar in the animal kingdom. The forests where pandas live are becoming smaller and smaller, so they may not be able to find mates or food anymore. They only live in the forests of China. The Giant Pandas' favorite food is bamboo. Sometimes they also eat small animals and insects, as well as fruits. Giant Pandas are part of the bear family. When awake, they are almost always eating bamboo. They just love to eat!

- (a) Find TWO 'proper nouns'.                      ① .....                      ② .....
- (b) Find TWO 'adverbs of frequency'.                      ① .....                      ② .....
- (c) What do pandas eat?                      .....

#### پاسخ:

(a) همان‌طور که می‌دانید « Proper noun » یا اسم خاص، اسمی است که با حرف بزرگ شروع می‌شود، پس به دنبال کلمه‌هایی باشید که با حرف بزرگ شروع شده و اسم یک « چیز خاص » هستند. پس پاسخ سؤال (a) دو کلمه Giant Panda و China هستند.

(b) قبلاً آموختید که adverbs of frequency (قیده‌های تکرار) کلمه‌های always, usually, often, sometimes, never هستند. در نتیجه با حرکت سریع چشم به دنبال آن‌ها باشید. پس پاسخ سؤال (b) sometimes و always هستند.

(c) برای پاسخ به این سؤال دنبال کلمه‌های کلیدی eat و food باشید. با توجه به این، پاسخ سؤال (c) به صورت زیر است:  
bamboo, small animals, insects, fruits

امتحان : جلد دوم

# درس اوّل

Lesson 1

انگلیسی یازدهم  
English 11

سیر کتابیار

Understanding  
People

Questions

سوالات امتحانی درس ۱

Lesson 1

PART 1

(Pages 15 - 20)

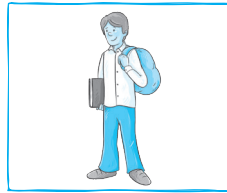
Title Page - Get Ready - Conversation



VOCABULARY

۱. هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

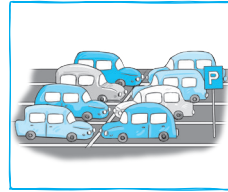
- 1 This is a parking lot. ( )
- 2 Don't swim here. ( )
- 3 I'm reading a storybook. ( )
- 4 I'm a high school student. ( )



a



c



b



d

۲. در هر ردیف، کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

- 5 grass – f lower – point – plant
- 6 Russian – Japan – Persian – Italian

۳. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

available – honest – points – written – grass – fluently – experience

- 7 The best way to learn is by .....
- 8 She made several interesting ..... in the booklet.
- 9 French was a language he never spoke .....
- 10 My dad is cutting the ..... in the garden.
- 11 We are going to have a ..... exam.
- 12 This dress is also ..... in larger sizes.

۴. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

- 13 A: What is Fred like? B: To be ..... with you, I don't like him very much.
- 14 I tried to speak to her in her native ..... French.
- 15 She spoke loudly because her mother is a little ..... . She can't hear well.
- 16 A: Thanks for your help. B: .....
- 17 Deaf people use ..... language to communicate.

۵. کلمه‌ها یا عبارت‌های دو ستون را به هم وصل کنید و عبارت معنی‌داری بسازید و آن‌ها را بنویسید.

- 18 learn ..... (a) with people
- 19 write ..... (b) your cellphone
- 20 turn off ..... (c) a language
- 21 communicate ..... (d) a storybook

۶. هر کلمه را به تعریف آن وصل کنید (یک تعریف اضافه است).

A

- 22 early ( )
- 23 available ( )
- 24 deaf ( )
- 25 high school ( )

B

- a a school for young people between the ages of 14 and 18
- b exchange information, ideas etc.
- c not able to hear anything
- d ready for you to use, have or see
- e before the usual or right time

۷. مترادف یا متضاد کلمه‌های مشخص شده را از داخل کادر پیدا کنید و جلوی جمله بنویسید (یک کلمه اضافه است).

begin - turn on - written - absolutely - late

- 26 We surely love the car. ....
- 27 You must turn off your cell phone here. ....
- 28 I got the job and I start work on Monday! ....
- 29 She works the early shift. ....

۸. هر سؤال و پاسخ آن را با هم جور کنید.

- |  |   |
|--|---|
| 30 How many languages do you speak fluently? ( ) | a I can swim and draw good pictures.        |
| 31 When did you learn Spanish? ( )               | b It is not absolutely clear.               |
| 32 Where can I park my car? ( )                  | c I speak Spanish and Portuguese very well. |
| 33 What does the sign show? ( )                  | d I began studying it when I was in Madrid. |
| 34 Does he have any experience? ( )              | e There's a parking lot round the corner.   |
| 35 What are your abilities? ( )                  | f It says, "Keep off the grass."            |

Lesson 1

PART 2

(Pages 21 - 23)

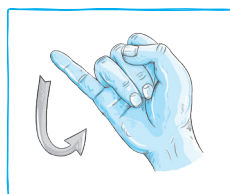
New Words & Expressions

VOCABULARY

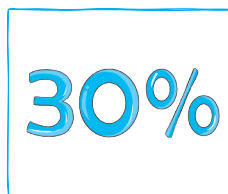


۹. هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

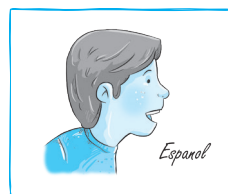
- 36 I think around thirty percent of people live in villages. ( )
- 37 Deaf people use sign language to communicate. ( )
- 38 Did you know that this is the poorest continent in the world? ( )
- 39 My friend's native language is Spanish not English. ( )



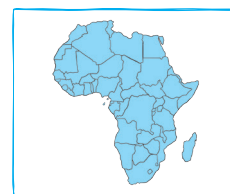
a



b



c



d



۱۰. مترادف یا متضاد کلمه‌های مشخص شده را از داخل کادر پیدا کنید و جلوی جمله بنویسید (یک کلمه اضافه است).

change – start – place – mental – late

- 40 Where's Italy's best region? .....
- 41 Our menus vary with the season. ....
- 42 Come here in the early afternoon. ....
- 43 When does the quiz show begin tonight? .....

۱۱. هر جمله را با یک کلمه مناسب کامل کنید. (حرف اول کلمه داده شده است).

- 44 Does water really e ..... on Mars?
- 45 She was worried about her son's m ..... and physical development.
- 46 The boys started playing d ..... the fact that it was raining.
- 47 Millions of people celebrated the beginning of the 21<sup>st</sup> c ..... on January 1, 2000.
- 48 The world's p ..... is increasing rapidly. Now Billions of people live on Earth.

۱۲. هر تعریف را با کلمه مرتبط با آن جور کنید (یک کلمه اضافه است).

- |   |              |
|---|--------------|
| 49 the power and knowledge to do something ( )  | a explain    |
| 50 the number of people who live in a place ( ) | b price      |
| 51 to tell someone about something ( )          | c society    |
| 52 liked by a lot of people ( )                 | d population |
| 53 how much money you pay to buy something ( )  | e ability    |
|   | f popular    |

۱۳. پاسخ درست را انتخاب کنید.

- 54 The birds come back to this ..... every year.  
 ① region                      ② price                      ③ century                      ④ language
- 55 Alex has shown some ..... with foreign languages.  
 ① century                      ② society                      ③ ability                      ④ family
- 56 This center helps people with ..... illness.  
 ① favorite                      ② mental                      ③ native                      ④ selfish
- 57 She has had a number of different jobs, ..... from cook to teacher.  
 ① existing                      ② forming                      ③ ranging                      ④ imagining
- 58 I could hear every ..... they were saying.  
 ① word                      ② space                      ③ institute                      ④ tongue
- 59 One of the large land masses of the earth such as Europe or Africa is called a/an .....  
 ① foreigner                      ② world                      ③ price                      ④ continent

۱۴. هر جمله را با دانش خود و فقط با یک کلمه کامل کنید.

- 60 This institute ..... the needs of all students.
- 61 They opened the door by ..... of an old key.
- 62 Don't take any ..... of what you read in the newspapers.
- 63 This MP3 player can save thousands of hours of music ..... its small size.

Lesson 1

PART 3 (Pages 24 - 27)  
Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development



VOCABULARY

۱۵. هر کلمه را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

- 64 tiny ( )
- 65 easy ( )
- 66 wish ( )
- 67 give up ( )



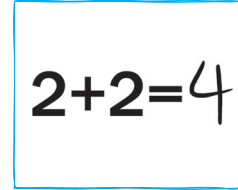
a



b



c



d

۱۶. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

seek – through – speaker – luckily – exist – forming – largely – grew – probable

- 68 Few of these monkeys still ..... in the wild.
- 69 The water ran ..... my fingers.
- 70 The library has an interesting talk by a visiting ..... every month.
- 71 The sky ..... dark and it began to rain.
- 72 The water is fast, ....., I am a good swimmer.
- 73 Her early experiences played an important role in ..... her personality.
- 74 It is ..... that life exists outside of our planet.
- 75 My grandfather went to the hospital to ..... help for his stomach pain.

۱۷. جدول زیر را کامل کنید.

- 76 A: Are 'greatly' and 'largely'.....? B: I'm not sure.
- 77 The program is ..... the computer's files.
- 78 My grandfather's gold watch is really .....
- 79 I am learning a new ..... these days.

76	S						M	S
77	S	C						G
78	V							E
79	L		N					E

۱۸. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

- 80 The movie was boring, ..... we left the cinema.
- 81 Language is a system of ..... all around the world.
- 82 I'm going to do it, no ..... what people say.

## Answers

## پاسخنامه تشریحی درس ۱

۱. (b) «این یک پارکینگ است.»
۲. (c) «این جا شنا نکنید.»
۳. (d) «من در حال خواندن کتاب داستان هستم.»
۴. (a) «من دانش آموز دبیرستان هستم.»
۵. "point" «چمن - گل - نکته - گیاه»
۶. "Japan" «زبان روسی - ژاپن - زبان فارسی - زبان ایتالیایی»
۷. "experience" «بهترین راه یادگیری از طریق تجربه است.»
۸. "points" «او در آن کتابچه به چند نکته جالب اشاره کرد.»
۹. "fluently" «فرانسوی زبانی بود که او هرگز آن را سلیس صحبت نکرد.»
۱۰. "grass" «بابای من در حال قطع (کوتاه) کردن چمن در باغ است.»
۱۱. "written" «ما قرار است آزمون نوشتاری (کتبی) داشته باشیم.»
۱۲. "available" «این پیراهن زنانه در سایزهای بزرگ تر نیز قابل دسترس است.»
۱۳. "honest" «فرد چه شخصیتی دارد؟» «صادقانه به شما بگویم، من او را خیلی دوست ندارم.»
۱۴. "language" «من سعی کردم با او به زبان بومی اش، فرانسوی صحبت کنم.»
۱۵. "deaf" «او بلند صحبت کرد زیرا مادرش کمی ناشنوا است. او نمی تواند خوب بشنود.»
۱۶. "You're welcome." «از کمک تان متشکرم.» «خواهش می کنم.»
۱۷. "sign" «افراد ناشنوا از زبان اشاره استفاده می کنند تا ارتباط برقرار کنند.» (توضیح: sign language یعنی زبان اشاره.)
۱۸. "learn a language" «یاد گرفتن یک زبان»
۱۹. "write a storybook" «نوشتن کتاب داستان»
۲۰. "turn off your cellphone" «خاموش کردن تلفن همراهتان»
۲۱. "communicate with people" «ارتباط برقرار کردن با مردم»
۲۲. "e" «زود = قبل از زمان معمول یا درست»
۲۳. "d" «قابل دسترس = آماده برای شما جهت استفاده کردن، داشتن یا دیدن»
۲۴. "c" «ناشنوا = قادر نبودن به شنیدن هیچ چیز»
۲۵. "a" «دبیرستان = مدرسه ای برای افراد جوان بین سنین ۱۴ تا ۱۸»
۲۶. "absolutely" «ما حتماً اتومبیل را دوست داریم.»
۲۷. "turn on" «شما باید این جا تلفن همراهتان را خاموش کنید.»
۲۸. "begin" «من آن شغل را گرفتم و کار را از دوشنبه شروع می کنم!»
۲۹. "late" «او در شیفت زود کار می کند.»
۳۰. "c" «شما چند زبان را سلیس صحبت می کنید؟» «من اسپانیایی و پرتغالی را خیلی خوب صحبت می کنم.»
۳۱. "d" «اسپانیایی را چه موقع یاد گرفتید؟» «من وقتی در مادرید بودم شروع به خواندن آن کردم.»
۳۲. "e" «من کجا می توانم اتومبیل را پارک کنم؟» «یک پارکینگ در همین نزدیکی است.»
۳۳. "f" «آن علامت چه چیزی را نشان می دهد؟» «آن می گوید: وارد چمن نشوید.»
۳۴. "b" «آیا او هیچ تجربه ای دارد؟» «آن دقیقاً شفاف (مشخص) نیست.»
۳۵. "a" «توانایی های تو چه هستند؟» «من می توانم شنا کنم و تصویرهای خوب طراحی کنم.»
۳۶. "b" «من فکر می کنم حدود سی درصد مردم در روستاها زندگی می کنند.»
۳۷. "a" «افراد ناشنوا برای ارتباط برقرار کردن از زبان اشاره استفاده می کنند.»
۳۸. "d" «آیا می دانستی که این فقیرترین قاره در جهان است؟»
۳۹. "c" «زبان بومی دوست من اسپانیایی است نه انگلیسی.»
۴۰. "place" «بهترین منطقه ایتالیا کجا است؟»
۴۱. "change" «منوهای ما با فصل تغییر می کند.»
۴۲. "late" «بعد از ظهر زود به این جا بیاید.»
۴۳. "start" «مسابقه تلویزیونی امشب چه موقع شروع می شود؟»
۴۴. "exist" «آیا آب واقعاً در مریخ وجود دارد؟»
۴۵. "mental" «او در مورد رشد جسمی و عاطفی پسرش نگران بود.»
۴۶. "despite" «آن پسرها علی رغم این حقیقت که باران می بارید، شروع به بازی کردند.»
۴۷. "century" «میلیون ها نفر آغاز قرن ۲۱ را در اول ژانویه ۲۰۰۰ جشن گرفتند.»
۴۸. "population" «جمعیت دنیا به سرعت در حال افزایش یافتن است. حالا میلیاردها نفر روی زمین زندگی می کنند.»
۴۹. "e" «قدرت و دانش برای انجام کاری = توانایی»
۵۰. "d" «تعداد افرادی که در یک مکان زندگی می کنند = جمعیت»
۵۱. "a" «گفتن به شخصی در مورد چیزی = توضیح دادن»
۵۲. "f" «دوست داشته شده توسط بسیاری از مردم = محبوب»
۵۳. "b" «مقدار پولی که برای خریدن چیزی می پردازید = قیمت»
۵۴. گزینه (۱) - «پرنده ها هر سال به این منطقه باز می گردند.»
- ① منطقه      ② قیمت
- ③ قرن      ④ زبان

۵۵. گزینه (۳) - «الکس (از خود) در زبان‌های خارجی توانایی نشان داده است.»  
 ۱ قرن ۲ جامعه  
 ۳ توانایی ۴ خانواده
۵۶. گزینه (۲) - «این مرکز به افراد دارای بیماری عاطفی کمک می‌کند.»  
 ۱ مورد علاقه ۲ عاطفی  
 ۳ بومی ۴ خودخواه
۵۷. گزینه (۳) - «او تعدادی شغل مختلف داشته است، متغیر از آشپز گرفته تا معلم.»  
 ۱ وجود داشتن ۲ تشکیل دادن  
 ۳ متغیر بودن ۴ تصور کردن
۵۸. گزینه (۱) - «من می‌توانستم هر کلمه‌ای را که آن‌ها می‌گفتند، بشنوم.»  
 ۱ کلمه ۲ فضا  
 ۳ مؤسسه ۴ زبان
۵۹. گزینه (۴) - «یکی از توده‌های خشکی کره زمین مانند اروپا یا آفریقا قاره نامیده می‌شود.»  
 ۱ خارجی ۲ دنیا  
 ۳ قیمت ۴ قاره
۶۰. «meets» «این مؤسسه نیازهای همه دانش‌آموزان را برآورده می‌کند.»
۶۱. «means» «آن‌ها در راه وسیله یک کلید قدیمی باز کردند.»
۶۲. «notice» «هیچ توجهی به آن چه در روزنامه‌ها می‌خوانید نکنید.»
۶۳. «despite» «این پخش کننده MP3 می‌تواند علی‌رغم اندازه کوچکش هزاران ساعت موسیقی را ذخیره کند.»
۶۴. «c» «خیلی کوچک، ریز»
۶۵. «d» «آسان»
۶۶. «a» «آرزو»
۶۷. «b» «ترک کردن»
۶۸. «exist» «تعداد خیلی کمی از این میمون‌ها هنوز در حیات وحش وجود دارند.»
۶۹. «through» «آب از لابه‌لای انگشت‌های من عبور کرد.»
۷۰. «speaker» «این کتابخانه هر ماه یک سخنرانی جالب توسط یک سخنران بازدیدکننده دارد.»
۷۱. «grew» «آسمان تاریک شد و باران شروع به باریدن کرد.»
۷۲. «luckily» «آب سریع است، خوشبختانه من شناگر خوبی هستم.»
۷۳. «forming» «تجربه‌های اولیه او نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت او بازی کرد.»
۷۴. «probable» «این‌که زندگی در خارج از سیاره ما وجود داشته باشد محتمل است.»
۷۵. «seek» «پدر بزرگ من به آن بیمارستان رفت تا برای درد شکمش کمک جست‌وجو کند (به دنبال کمک بگردد).»
۷۶. «synonyms» «آیا greatly و largely مترادف هستند؟» «من مطمئن نیستم.»
۷۷. «scanning» «آن برنامه در حال اسکن کردن فایل‌های کامپیوتر است.»
۷۸. «valuable» «ساعت طلای پدر بزرگم واقعاً با ارزش است.»
۷۹. «language» «من این روزها در حال یادگیری زبان جدیدی هستم.»
۸۰. «so / therefore» «آن فیلم کسل‌کننده بود، بنابراین ما سینما را ترک کردیم.»
۸۱. «communication» «زبان سیستم برقراری ارتباط در تمام دنیا است.»
۸۲. «matter» «من قصد دارم آن را انجام دهم، مهم نیست مردم چه می‌گویند. (عبارت no matter یعنی «مهم نیست.»)
۸۳. «d» «فراگیر = شخصی که سعی دارد دانش یا مهارت در چیزی را به دست بیاورد.»
۸۴. «a» «گفته شده، شفاهی = استفاده از سخن و نه نوشتن»
۸۵. «c» «مترادف = کلمه‌ای که با یک کلمه دیگر در همان زبان معنی مشابهی دارد»
۸۶. «e» «بوم، بومی = مربوط به جایی که یک شخص متولد شده یا بزرگ شده»
۸۷. «b» «ساده = سخت نبودن برای درک کردن یا انجام دادن»
۸۸. «native speaker» «گوش و بومی»
۸۹. «exchange knowledge» «تبادل دانش کردن»
۹۰. «hundreds of thousands» «صدها هزار»
۹۱. «endangered languages» «زبان‌های در معرض خطر»
۹۲. «meet the needs» «برآورده کردن نیازها»
۹۳. «loaves» «دو قرص نان»
۹۴. «bottle» «یک بطری شیر»
۹۵. «slice» «یک برش هندوانه»
۹۶. «bag» «یک گونی برنج»
۹۷. «glasses» «تعدادی لیوان آب»
۹۸. «piece / slice» «یک تکه / برش کیک»
۹۹. «glass» «شکر - برنج - قهوه - لیوان»
۱۰۰. «slice» «بطری - برش - لیوان - گونی»
۱۰۱. «bread» «نان - آمپوه - آب - شیر»
۱۰۲. «Canadian» «ملیت جو چیست؟» «فکر کنم او کانادایی است.»
۱۰۳. «traffic» «ما سعی داریم ترافیک (بازدید) سایت‌مان را افزایش دهیم.»